

جلوهای عدالت در تقسیم ارث بین زن و مرد در حقوق ایران و فقه امامیه

محمدحسن صادقی مقدم*

استاد گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران،
تهران، ایران

چکیده

در پاسخ به پرسش‌های مطرح در زمینه نحوه تقسیم ارث بین زن و مرد در حقوق ایران، می‌توان گفت که عادلانه‌ترین روش در تقسیم ارث بین دختر و پسر در طبقات نسبی ارث و یا زن و شوهر در خانواده و به‌طور کلی جنس مؤنث و مذکر در تمامی طبقات ارث، روشی است که حقوق ایران به تبعیت از فقه امامیه اتخاذ کرده است. وظایف و تکالیف هر یک از زن و مرد در نظام خانواده و همچنین حقوق و حمایت‌هایی که از زن و مرد به‌عنوان مخلوق خداوند و جانشین او در زمین شده است، در تحلیل نحوه تقسیم اموال میت باید مورد توجه قرار گیرد. فرضیه‌ای که در مقابل پرسش تحقیق مبنی بر رعایت عدالت و تبعیض در نحوه تقسیم ماترک میت بین هر یک از جنس مؤنث و مذکر در بین فرزندان یا در زندگی زناشویی به‌عنوان زن و شوهر، در پی اثبات آن هستیم، عادلانه‌ترین روش در تقسیم ارث بین زن و مرد در حقوق ایران است. در این روش بدون ارزش‌گذاری ذاتی در جنس مؤنث و مذکر به‌عنوان مخلوق خداوند از جنس واحد و با تحلیل اقتصادی صرف، متناسب با تکالیف و حمایت‌های مادی برای هر یک به‌ویژه زن، از جمله دریافت مهریه، نفقه و اجرت‌المثل و تکالیف مرد بر تأمین موارد مذکور و نفقه فرزندان و وظیفه دفاع از کشور و مقدمات آن به‌عنوان خدمت نظام وظیفه، ماترک بین بازماندگان اعم از جنس مؤنث و مذکر تقسیم شده است.

واژگان کلیدی: پسر، تقسیم ماترک، دختر، زن، شوهر، حقوق ایران. عدالت، وظایف زن و شوهر در خانواده.

* Email: mhsadeghy@ut.ac.ir

۱. مقدمه

با نگاهی جامع به خلقت انسان و اهدافی که خداوند متعال در خلقت جنس مذکر و مؤنث از نفس واحد (نساء/ ۱؛ اعراف/ ۱۸۹) و با هدف عبودیت (الذاریات/ ۵۶) و رسیدن به کمال انسانی دارد و نقش زن و مرد در تولید و تکثیر نسل بشر، سایر روابط از جمله مسائل مادی و میزان بهره مندی از نعمت‌های الهی را باید در قالب وظایف و تکالیف هریک از آنها تحلیل کرد. خداوند در خلقت بشر به جز نقش‌هایی که در این جهان مادی باید ایفا کنند، تفاوتی قائل نشده است. ملاحظه آیات قرآن نشان می‌دهد که مردان و زنان در فضایل اخلاقی و ارزش‌های انسانی در کنار هم قرار دارند و شاخص قدر و ارزش آنها در تقوا و پرهیزکاری است (حجرات/ ۱۳). زن و مرد در نظام خلقت مکمل و موجب آرامش و لباس عفاف و عفت یکدیگرند (بقره/ ۱۸۷). همچنین خداوند به زیبایی و متناسب با نقش هریک از زن و مرد، حقوق و تکالیفی برای آنها مقرر کرده است. تفاوت جنسی برای بقای نسل یک ضرورت است. با این وصف تقسیم موجودات به مذکر و مؤنث، قانونی عام در نظام خلقت بوده و به هیچ وجه نشان برتری یکی بر دیگری نیست (لیل/ ۳).

خطاب آیات الهی بر بشر و تزکیه به هریک از زن و مرد به تنهایی نیست، بلکه نشان‌دهنده برابری در کمال، کسب فضیلت، علم و ایمان و عمل صالح است (بقره/ ۱۵۱؛ مجادله/ ۱۱). خداوند به هریک از زن و مرد که در حال ایمان به خدا عمل صالحی انجام دهد، وعده حیات طیبه داده است (نحل/ ۹۷)، اگرچه الفاظ آیه بر اساس فرهنگ محاوره و نه بر پایه ادبیات کتابی، مذکر آمده، در اثنای آیه از زن و مرد نام برده است. در این آیه منظور این نیست که عمل و حیات طیب مخصوص مرد است و زن در آن راه به جایی نبرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۶۱)، بلکه رسیدن به حیات طیب مستلزم حسن فعلی (عمل صالح) و حسن فاعلی (مؤمن بودن روح) است و ارتباطی به جنس مؤنث و مذکر ندارد (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۸۸؛ قرآنی، ۱۳۸۴: ۴۵۱).

ارتباط ذکوریت و اناثیت به طبیعت و ماده برمی‌گردد؛ یعنی تا پیش از دمیده شدن روح در جنین از ترکیب اسپرم و تخمک و بر اساس نحوه ترکیب کروموزوم‌های هر یک به تعداد ۲۳ عدد، جنس جنین به صورت مذکر یا مؤنث تکون می‌یابد (کی و دیگران، ۱۳۷۵: ۷۶۰) و پس از این مرحله روح در آنها دمیده می‌شود (حجر/ ۲۹؛ صاد/ ۷۲)، در نتیجه مذکر یا مؤنث بودن جنین قبل از دمیده شدن روح است. کرامت انسان هم ارتباطی به جنین زن و مرد ندارد، بلکه بنی آدم مورد تکریم حق تعالی است (اسرا/ ۷۰).

تلاش این است که ضمن تبیین جایگاه زن و مرد در نظام خلقت و نقش هریک از آنها در تکثیر نسل، موقعیت زن و مرد را در نظام خانواده به عنوان دختر خانواده در کنار پسر و زن در کنار شوهر، با تأکید بر تکالیف هر یک، میزان بهره‌مندی آنها را از اموال به جای مانده از پدر در

فرض نخست و شوهر در حالت دوم، در کنار سایر بهره‌مندی‌ها و حمایت‌های مالی و اقتصادی از زن و تکالیف اقتصادی جنس مذکر تحلیل و فرضیه رفتار عادلانه اسلام و به‌ویژه فقه امامیه و قانون مدنی ایران را اثبات کند. برای وصول به هدف با تأکید بر نقش هریک از زن و مرد در نظام خانواده، جنبه‌های مالی مطرح در خانواده را برجسته کرده و میزان بهره‌مندی از مواهب مادی برای انجام رسالت پیش‌گفته را تصور و نظام مالی طراحی شده در اسلام مقایسه و با رد فرضیات محتمل، فرضیه مورد ادعا اثبات خواهد شد. با ترسیم شقوق مختلف بهره‌مندی هریک از دختر و پسر از اموال باقیمانده از پدر یا زن و شوهر از یکدیگر در حالاتی سهم جنس مذکر و مؤنث از ترکه مساوی و در برخی موارد بهره‌مندی جنس مؤنث از جنس مذکر بیشتر و در مواردی دیگر برعکس است.

۲. تکالیف زن و مرد در خانواده

قانون مدنی ایران با اقتباس از فقه امامیه در مواد ۱۱۰۲ به بعد، حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر را برشمرده است. تبیین تکالیف هریک از زن و مرد، با توجه به هدفی که خدای متعال از آفرینش بشر با استنباط از قرآن مجید و روایات دارد، به تحلیل بهره‌مندی آنها از اموال بازمانده از مورثان خود کمک می‌کند. تأکید بر تکالیف مالی هریک از زن و مرد و میزان حقوق و بهره‌مندی آنان تمرکز اصلی در این نوشته است. از این رو در ادامه بر بهره‌مندی مالی متمرکز خواهیم بود.

۲.۱. تکالیف مرد

از آنجا که تمرکز اصلی نوشته بر توزیع عادلانه اموال باقیمانده از میت بین زن و مرد در حقوق ایران است، به‌اختصار به این تکالیف با تأکید بر تکالیف مالی پرداخته خواهد شد.

۲.۱.۱. تکالیف مالی مرد

۲.۱.۱.۱. پرداخت مهریه زن

یکی از تکالیف مالی مرد در مقابل زن پرداخت مهر است. مهر مالی است که برحسب عقد نکاح، مرد مکلف به پرداخت به زن است. با انعقاد عقد، زن مالک مهر می‌شود (امامی، ۱۳۸۳: ۴۵۳؛ صفایی، ۱۳۸۱: ۱۴۱؛ محقق داماد، ۱۳۶۵: ۲۳۴). پرداخت مهر نوعی الزام قانونی است که به موجب عقد نکاح بر مرد تحمیل می‌شود و تنها میزان آن با تراضی طرفین عقد نکاح تعیین می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۱۳۹). در مواد ۱۰۸۰ و ۱۰۸۷ قانون مدنی ایران بر این مطلب تأکید شده است و ناشی از قراردادی است که بین زن و مرد در قالب عقد نکاح منعقد می‌شود. تصور تقابل تعهد

به پرداخت مهر با تمکین زن از شوهر، برداشت غیرصحیح از عقد نکاح در حقوق اسلام است (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۱۳۹؛ لنگرودی، ۱۳۵۵: ۱۲۸).

۲.۱.۱.۲. پرداخت نفقه زن

مسئولیت اداره خانواده در نظام حقوقی ایران بر عهده مرد است و برابر ماده ۱۱۰۵ ق.م این ویژگی از خصایص شوهر است، قانونگذار وی را موظف به تأمین هزینه‌های خانواده اعم از زن و فرزندان کرده است. تکلیف تأمین نفقه زن در نکاح دائم را قانونگذار به عهده مرد قرار داده است و ریشه قراردادی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۱۸۳) میزان نفقه نیز بر اساس قانون و عرف تبیین شده است. علاوه بر تأمین مسکن، پوشاک، غذا و سایر نیازهای زن به وسایل زندگی، تأمین هزینه‌های متعارف تحصیل و نیازهای درمانی زوجه (میرشمسی، ۱۳۸۰: ۱۱۹) نیز باید توسط مرد تأمین شود.

۲.۱.۱.۳. پرداخت اجرت‌المثل کارهای زن در خانه

در حقوق اسلام و ایران، زوجین وظایف معینی نسبت به یکدیگر دارند. صرف‌نظر از اختلاف‌نظرهای فقهی در تکلیف مرد به پرداخت اجرت‌المثل بابت کارهایی که زوجه در منزل شوهر انجام می‌دهد (انصاری‌پور و صادقی‌مقدم، ۱۳۸۴: ۲)، بر اساس تبصره ۶ ماده‌واحد قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده است، به دستور زوج و با قصد عدم تبرع انجام داده باشد، با اثبات موضوع در دادگاه، حکم به پرداخت اجرت آن به زن صادر می‌شود. با الحاق تبصره ذیل ماده ۳۳۶ ق.م در سال ۱۳۸۵ پرداخت اجرت‌المثل کارهای زن در خانه مقید به وقوع طلاق بین زن و شوهر نشده است و در ایام زناشویی نیز از طرف زن قابل مطالبه است. وظایف زن در ق.م منحصر به حسن معاشرت (ماده ۱۱۰۳ ق.م) (معاضدت در تشیید مبانی خانواده (ماده ۱۱۰۴ ق.م) همکاری و معاضدت در تربیت فرزندان (ماده ۱۱۰۴ ق.م) است. به این ترتیب وظیفه زن در خانه شوهر، تمکین اعم از تمکین خاص (تکالیف خاص زناشویی) و تمکین عام از قبیل حسن معاشرت، خوش‌رفتاری و خوش‌رویی، تلاش در استواری و استحکام مبانی خانواده و همکاری با شوهر در تربیت فرزندان و عدم اشتغال به کارمتضادبا این مصالح است (انصاری‌پور و صادقی‌مقدم، ۱۳۸۴: ۷).

۴. ۱. ۱. سایر تکالیف مالی مرد در قبال جامعه و کشور

یکی از وظایف هر فرد در جامعه اسلامی، تلاش برای بقای جامعه در قالب حکومتی است که برگزیده است. حفظ آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور برابر اصل ۹ قانون اساسی از وظایف دولت و آحاد ملت است (یزدی، ۱۳۶۸: ۱۶۵؛ نجفی و محسنی، ۱۳۷۹: ۱۳۰). دفاع از مرزهای کشور تحت عنوان جهاد و یا دفاع از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران و جان و مال و ناموس مردم وظیفه دینی و ملی هر فرد ایرانی است (ماده ۱ قانون خدمت وظیفه عمومی ۱۳۶۳) در اجرای این وظیفه تمامی اتباع ذکور در کشور مکلف به انجام خدمت وظیفه عمومی‌اند. انجام این تکلیف مستلزم هزینه‌های مالی و یا حداقل باز ماندن مرد از تلاش و فعالیت‌های اقتصادی است و زنان هیچ وظیفه‌ای در انجام مسؤلیت خطیر مذکور یعنی جهاد وظیفه عمومی ندارند.

صرف‌نظر از مباحث نظری و دیدگاه‌های چهارگانه و حکمت‌های پرداخت دیه از طرف عاقله، یعنی خویشاوندان ذکور کسی که مرتکب قتل خطایی محض شده است، پرداخت دیه در جنایت خطای محض، برابر با آنچه در مواد ۴۶۳ به بعد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آمده است، بر عهده عاقله است. تمامی مباحث مربوط به عاقله در منابع فقهی از جمله موارد زیر قابل دسترسی است (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق: ۳۰۱؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۸: ۱۷۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۹ق: ۱۰۵۳؛ محقق اردبیلی، ۱۴۱۶ق: ۲۸۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ۲۵؛ خمینی، بی‌تا: ۵۲۳). در نتیجه پرداخت دیه توسط عاقله تنها به مردان اختصاص دارد و زنان تکلیفی در این زمینه ندارند.

۲. ۱. ۲. تکالیف غیرمالی مرد

از آنجا که تأکید اصلی مقاله بر تکالیف مالی هر یک از زوجین و تحلیل میزان بهره‌مندی از ماترک میت در زندگی زناشویی و فرزندان شامل دختر و پسر از اموال پدر و مادر است، به صورت گذرا به تکالیف غیرمالی اشاره خواهد شد. حسن معاشرت ناشی از حکم ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، معاضدت در تشیید مبانی خانواده به موجب ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی، وفاداری و همچنین وظیفه تصمیم‌گیری نهایی در اداره امور خانواده مستنبط از ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی و پذیرش مسؤلیت حمایت و سرپرستی خانواده و دفاع از حریم خانواده و مدیر و مسئول ویژه این بنیان مهم (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۲۲۳) از وظایف اصلی مرد در خانواده است. بدیهی است آنچه استواری و حفظ بنیان خانواده بر آن متکی است، اخلاق است نه قواعد حقوق. در اداره خانواده، آنچه مهم و اساسی است، قواعد حقوق نیست، بلکه استواری آن منوط به مهر و مدیریت است. مهر و رأفت و گرایش و جاذبه از طرف زن و از جنبه مدیریت، تأمین هزینه

زندگی، تعهد به کارهای اجرایی و سرپرستی و دفاع از حوزه تدبیر خانواده، اصل مرد است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۴۴۹).

۲.۲. تکالیف زن

با انعقاد رابطه زوجیت بین زن و مرد، در نظام حقوق اسلام، هریک از زن و مرد به موجب قانون نسبت به یکدیگر واجد تکالیف و حقوقی خواهند بود. پذیرش سکونت مشترک، همکاری در بقای مبانی خانواده و حسن معاشرت، تمکین و در مقابل، بهره‌مندی از حقوق مالی پیش‌گفته از جمله مهر و نفقه و اجرت‌المثل و عدم تکلیف در امور مالی خانواده از جمله تکالیف و حقوق زن است.

۲.۲.۱. عدم تکلیف مالی زن در برابر مرد

زن با حفظ استقلال مالی و امکان تصرف در دارایی خود (ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی) هیچ‌گونه تکلیفی در تأمین هزینه‌های خانواده ندارد، بلکه این مرد است که باید تمامی هزینه‌های متعارف و متناسب با وضعیت زن را از جمله مسکن، لباس، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض، تأمین کند (ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی اصلاحی ۱۳۸۱). علی‌رغم تکلیف تأمین نفقه اقارب با شرایط خاص از جمله ملائت فرد و نیاز خویشاوند، این امر منحصر به اقارب نسبی است (ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی) و به خویشاوندان سببی یعنی زن نسبت به شوهر اختصاص ندارد. در مواردی از جمله نیاز فرزند و نبود پدر و اجداد پدری و ملائت مادر، هزینه تأمین مخارج زندگی فرزند با مادر است. از طرف دیگر زن وظیفه‌ای در جهاد و خدمت نظام وظیفه و مشارکت در پرداخت دیه قتل خطایی خویشاوند ندارد و تکلیف مالی بر عهده وی نیست. در تمامی موارد به‌عنوان وظیفه مرد در پرداخت مبالغی تحت عنوان مهریه، نفقه و اجرت‌المثل، گیرنده مبالغ مذکور زن است. زن در صورت ازدواج از مهریه به میزانی که خود تراضی کرده باشد و همچنین نفقه به میزان متعارف و بر اساس حکم قانون صدرالاشعار به اندازه رفع نیازهای وی و اجرت کارهایی که زن در خانه شوهر از قبیل نظافت و طبخ غذا و نگهداری از فرزندان و حتی شیر دادن به فرزند بر مبنای قانون بهره‌مند است. علاوه بر موارد مذکور زن می‌تواند هر شرطی را از جمله شرایط مالی مانند تنضیف دارایی زوج در ایام زوجیت قرار دهد که در این صورت، از نصف دارایی زوج بهره‌مند خواهد شد (ماده ۱۱۱۹ ق.م). زن به‌عنوان دختر خانواده نیز در صورت ازدواج از مزایای مادی مذکور بهره‌مند و در صورت عدم ازدواج و نیاز، از وظیفه سایر

خویشاوندان از جمله پدر و مادر و یا برادری که عهده‌دار تأمین مخارج خانواده خود و خواهر و برادر نیازمند خود است، بهره‌مند خواهد شد.

۲.۲.۲. سایر تکالیف زن

با پذیرش رابطه زوجیت و وقوع نکاح صحیح با ایجاب قبول به الفاظی دال بر قصد ازدواج، زن کلیه تکالیف مندرج در قانون را پذیرفته است. از جمله این الزامات پذیرش سکونت در منزلی است که شوهر تعیین می‌کند، مگر اینکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد (ماده ۱۱۱۴ ق.م).

حسن معاشرت و معاضدت در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد و پذیرش ریاست خانواده نیز در زمره تکالیف زن است. با پذیرش این تکالیف تمکین از شوهر چه به صورت عام به معنی قبول ریاست شوهر بر خانواده و محترم شمردن اراده وی در امور مالی، تربیت فرزندان و امور اخلاقی یا به صورت خاص در قالب رفع نیازهای جنسی با تأکید بر روابط عاطفی و متقابل با داوری عرف از وظایف و تکالیف زن است (لنگرودی، ۱۳۵۵: ۱۷۳؛ امامی، ۱۳۸۳: ۵۱۶). از جمله دیگر وظایف زن و الزامات پذیرش زوجیت در قالب حقوق اسلام و مقررات مندرج در قانون مدنی، عدم اشتغال به حرفه یا صنعتی است که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد.

۳. نحوه تقسیم ماترک بین زن و مرد

حقوق ایران در بخش ارث متکی بر قرآن مجید و به طور عمده آیات ۱۱، ۱۲ و ۱۷۶ سوره نساء است. ابتدا به اصول کلی حاکم و ضوابط تقسیم در این حوزه اشاره و در ادامه نحوه تقسیم ارث بین دختر و پسر در طبقات مختلف و در پایان تقسیم ارث بین زن و شوهر ارائه خواهد شد.

۱. اصولی کلی تقسیم ارث بین زن و مرد

اسلام مال و ثروت را معیار ارزش نمی‌داند، بلکه مال و ثروت جنبه اقتصادی صرف دارد. در شرایطی که زن از هرگونه ارث‌بری در نظام‌های مختلف حقوقی موجود قبل از اسلام بی‌بهره بود (مهرپور، ۱۳۷۰: ۱۰۷) و به‌عنوان کالا و جزئی از ترکه به ارث می‌رسید و برای وی هیچ‌گونه استقلال مالی قائل نبودند، باید به احکام افتخارآمیز در مورد مسائل مالی زن مباحثات کرد. در قوانین کشورهای اروپایی تا صد سال قبل (شایگان، ۱۳۷۵: ۲۶۴؛ مطهری، ۱۳۷۸: ۲۱۴)، برای زن حق وراثت قائل نبودند. عدم شناسایی حق وراثت برای زن در دوران جاهلیت (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۳۵؛

طاهری، ۱۲۷۶: ۲۳۹) و حتی به ارث رسیدن زن میت به‌عنوان جزئی از ترکه در آن زمان (طباطبایی، ۱۳۷۷: ۴۰۲) این واقعیت را آشکار می‌سازد که اسلام با احکام نورانی خود تحولی بی‌نظیر را در ارث زن ایجاد کرده و رسوم غلط جاهلیت را با شناسایی حق ارث برای زنان در کنار مردان، کنار زده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۷۶؛ صادقی مقدم، ۱۳۹۱: ۵۶). خداوند در آیه ۷ سوره مبارکه نساء به سهم و نصیب مردان و زنان از ترکه پدر و مادر و خویشاوندان اشاره می‌کند. در قرآن مجید فروض شش‌گانه نصف، یک‌چهارم، یک‌هشتم، دوسوم، یک‌سوم و یک‌ششم در آیات ۱۱، ۱۲ و ۱۷۶ سوره مبارکه نساء مقرر شده است و از سیزده گروه مشمول سهام مذکور، هشت وارث تنها از بین زنان برشمرده است و این نشان از توجه ویژه خدای متعالی به سهم‌الارث زنان دارد. از پنج وارث باقیمانده، سه وارث تنها به مردان اختصاص یافته است و دو دسته دیگر نیز مشترک بین ذکور و اناث است. قانون مدنی ایران از ماده ۸۹۹ تا ۹۰۴ صاحبان فروض شش‌گانه مذکور را احصا کرده است. در مورد مبانی این مواد به اندازه کافی بحث شده است (نجفی، ۱۳۶۸: ۱۹۶؛ محقق حلی ۱۳۸۳: ۳۰۱؛ الجبعی‌العالمی، ۱۳۸۹: ۱۷۲؛ انصاری، ۱۳۷۵: ۴۰۱؛ لنگرودی، ۱۳۷۵: ۲۰۴؛ امامی، ۱۳۸۳: ۳۱۰؛ کاتوزیان ۱۳۸۵: ۳۱۱؛ شهیدی، ۱۳۸۱: ۱۹۷؛ قبله‌ای، ۱۳۸۱: ۱۶۴؛ مصلحی، ۱۳۸۵: ۱۹۶؛ زارعی، ۱۳۸۰: ۳۱۱؛ مهرپور، ۱۳۷۰: ۲۵؛ صفایی و شعبانی، ۱۳۹۷: ۳۰۰).

۲. ۳. سهم‌الارث جنس مؤنث در طبقات مختلف نسبی

در صورتی که دختر و پسر در طبقه اول در کنار هم باشند، به‌صراحت آیه ۱۱ سوره نساء سهم‌الارث پسر دو برابر دختر است. این حکم در کلیه خویشاوندان در تمامی درجات جاری است. لیکن قاعده مذکور در متقربان به مادر اعم از برادر و خواهر مادری و فرزندان آنها، جد و جدۀ امی و دایی و خاله و فرزندان آنان رعایت نشده و سهم ذکور و اناث مساوی است. با احصای کلیه حالات مختلف، بهره‌مندی ذکور در مواردی بیشتر از بهره‌مندی اناث بوده و در برخی موارد بهره آنها از ماترک مساوی و در جاهایی نیز سهم اناث بیشتر از جنس مذکر است.

۱. ۲. ۳. سهم‌الارث دختر و پسر در طبقه اول در حالات مختلف

با بررسی صور مختلف ارث دختر در طبقه اول در برخی موارد معلوم می‌شود که میزان بهره‌مندی جنس مؤنث دختر از جنس مذکر (پدر) بیشتر است.

۱. ۲. ۳. ۱. سهم‌الارث دختر همراه با پسر و اولاد آنها

در صورت فوت پدر یا مادر خانواده و وجود چند دختر و پسر، سهم پسر از ترکه دو برابر دختر است. مبنای قرآنی آیه ۱۱ سوره نساء است. قانون مدنی نیز در ماده ۹۰۷، الزام قانونی بهره‌مندی پسر به اندازه دو برابر دختر را آورده است. درحالی‌که اولاد اولاد سهم کسی را

می‌برد که از آن طریق به میت می‌رسد. پس فرزند پسر اگرچه مؤنث باشد، سهم پدر خود را می‌برد و فرزند دختر اگرچه مذکر باشد، سهم مادر خود را می‌برد. در این حالت نوه مؤنث پسری میت دو برابر نوه مذکر دختری می‌برد.

۲. ۱. ۲. ۳. سهم الارث دختر یا دختران

در صورتی که تنها وارث میت یک دختر باشد برابر ماده ۹۰۷ قانون مدنی تمام ترکه به او می‌رسد. این حکم در موردی که تعداد دختران دو یا بیشتر باشد نیز جاری است و در این صورت ماترک بین دختران به‌طور مساوی تقسیم می‌شود.

۳. ۱. ۲. ۳. سهم الارث دختر با پدر یا مادر

در حالتی که وارث میت پدر و یا مادر با دختر باشد، فرض هر یک از پدر و مادر یک‌ششم ماترک و فرض دختر نصف ماترک است. در این صورت و با جمع سهام مذکور، یک‌سوم ماترک باقی می‌ماند. یک‌سوم باقیمانده را نیز به نسبت فروض ذکر شده یعنی یک‌ششم و یک‌دوم تقسیم می‌کنند و در نهایت سهم پدر یک‌چهارم و سهم دختر سه‌چهارم ترکه خواهد بود. ملاحظه می‌شود که سهم دختر یعنی جنس مؤنث از سهم پدر یعنی جنس مذکر از ماترک بیشتر است.

۴. ۱. ۲. ۳. سهم الارث دختران با پدر یا مادر

با جمع دختران با پدر و یا مادر، سهم دختران برابر ماده ۹۰۲ ق.م.دوسوم ترکه است و یک‌ششم ترکه متعلق به پدر یا مادر است. بقیه ماترک یعنی یک‌ششم باقیمانده به نسبت فروض بین دختران و پدر یا مادر تقسیم می‌شود و در مواردی سهم دختر از سهم پدر بیشتر می‌شود.

۵. ۱. ۲. ۳. سهم الارث دختر یا دختران با زن یا شوهر

در صورتی که وارث منحصر به یک دختر و زن یا شوهر باشد، هر یک فرض خود را از اصل ترکه می‌برند. برای مثال یک دختر و زن ورثه میت باشند، دختر فرض نصف و زن فرض یک‌هشتم می‌برد و بقیه ترکه متعلق به دختر است، زیرا زن از مازاد ارث نمی‌برد (ماده ۹۱۴ قانون مدنی). در صورت وجود دختر با شوهر، شوهر یک‌چهارم می‌برد و بقیه ماترک متعلق به دختر است. در صورت وجود دختران، فرض آنان دوسوم است که با هر یک از زن یا شوهر میت، از اصل ترکه سهم خود را می‌برند. در این حالات نیز سهم باقیمانده به دلیل عدم

بهره‌مندی زن و شوهر از مازاد متعلق به دختران است و جنس مؤنث (دختر) در مواردی از جنس مذکر (شوهر) سهم بیشتری دارد.

۶. ۱. ۲. ۳. سهم‌الارث مادر و شوهر

فرض شوهر در صورتی که (متوفیه) اولاد نداشته باشد، برابر آیه ۱۲ سوره مبارکه نساء و ماده ۸۹۹ قانون مدنی، نصف ترکه است و بقیه ماترک متعلق به مادر است (یک‌سوم به فرض و بقیه به قرابت). در این حالت نیز ملاحظه می‌شود که سهم شوهر (مذکر) و مادر (مؤنث) مساوی است.

۷. ۱. ۲. ۳. سهم‌الارث مادر در صورت وجود اولاد

در این حالت نیز فرض هر یک از پدر و مادر یک‌ششم ترکه است (نساء/۱۱؛ ماده ۹۰۴ قانون مدنی). در حالی که پدر (مذکر) و مادر (مؤنث) نسبت سهم هر یک به اندازه یک‌ششم از اصل ترکه است و تفاوتی بین جنس مذکر و مؤنث نیست.

۸. ۱. ۲. ۳. سهم‌الارث مادر، پدر و شوهر

در این صورت شوهر و مادر فرض برند. فرض شوهر نصف ترکه و فرض مادر ثلث ترکه است (نساء/ ۱۱ و ۱۲؛ مواد ۸۹۹ و ۹۰۳ ق.م) در این صورت باقیمانده مال یعنی یک‌ششم مال سهم پدر می‌شود و در نتیجه سهم مادر (مؤنث) از سهم پدر (مذکر) بیشتر است.

۲. ۲. ۳. سهم‌الارث خواهر و برادر و اجداد در طبقه دوم

در طبقه دوم نیز در برخی موارد سهم خواهر یا خواهران نسبت قابل توجهی از ماترک است و در مواردی از برادر ابوبنی بیشتر است. در صورت اجتماع زوج، یک خواهر امی و دو برادر ابوبنی و یک خواهر ابوبنی در این صورت فرض زوج یک‌دوم و فرض خواهر امی یک‌ششم و بقیه مال یعنی یک‌سوم متعلق به برادران و خواهر ابوبنی است که سهم هر یک از برادران ابوبنی دو پانزدهم و از سهم خواهر امی یعنی یک‌ششم کمتر است.

۱. ۲. ۳. سهم‌الارث خواهر همراه با برادر ابوبنی

در این حالت برابر قاعده کلی ذکور دو برابر انث سهم برادر ابوبنی دو برابر خواهر است. بر اساس ماده ۹۲۰ قانون مدنی سهم حصه ذکور دو برابر انث است. در آیات قرآن و در کتاب‌های فقهی نیز مبانی این موارد به تفصیل آمده است (نجفی، ۱۴۰۴:ق: ۱۴۸).

۲. ۲. ۲. سهم‌الارث خواهر یا خواهران

در صورت انحصار ورثه به خواهر، نصف ترکه به فرض و نصف دیگر به اعتبار خویشاوندی متعلق به دختر و در نتیجه تمام ماترک را مالک می‌شود. در حالتی که تعداد خواهران دو و یا بیشتر باشد نیز تمام ماترک به آنها تعلق می‌گیرد که به‌طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود.

۳. ۲. ۲. سهم‌الارث خواهر با شوهر

در حالتی که زنی فوت کند و وراثت طبقه دوم منحصر به یک خواهر و شوهر باشد، هریک از ورثه نصف ترکه را تصاحب می‌کنند، درحالی‌که یکی مؤنث و دیگری مذکر است. این حالت نیز یکی از مواردی است که جنس مؤنث و مذکر به‌تساوی ارث می‌برند.

۴. ۲. ۲. سهم‌الارث خواهر و زوجه

این حالت دو جنس موافق (خواهر و زوجه) سهامی متفاوت از ترکه دارند. به حکم ماده ۹۰۰ ق.م. در صورتی‌که زوجه وارث شوهر خود باشد و میت اولادی از خود نداشته باشد، زوجه فرض اعلا یعنی یک‌چهارم را می‌برد و بقیه یعنی سه‌چهارم مال متعلق به خواهر است (نصف به فرض و یک‌چهارم به قرابت). با توجه به حکم ماده ۹۰۵ ق.م. زوجه از زائد از فریضه سهمی ندارد.

۵. ۲. ۲. سهم‌الارث جدۀ پدری و جد مادری

بر اساس ماده ۹۲۴ ق.م. سهم خویشاوندان پدری دو ثلث ترکه و خویشان مادری یک‌سوم ترکه است. با این وصف جدۀ پدری دو ثلث و جد مادری ثلث ترکه را مالک می‌شود. این نیز از مواردی است که سهم فرد مؤنث (جدۀ پدری) از سهم مذکر (جد مادری) بیشتر است.

۶. ۲. ۲. سهم‌الارث خواهر ابوبنی و جد مادری

در این حالت نیز خواهر ابوبنی که از طرف پدر به میت قرابت دارد، دو ثلث ترکه را می‌برد و جد مادری ثلث ترکه را تصاحب می‌کند. در نتیجه خواهر ابوبنی (مؤنث) دو برابر جد مادری (مذکر) ارث می‌برد.

۷. ۲. ۲. سهم الارث چند برادر و خواهر و زوجه

در این حالت زوجه یک‌چهارم از ترکه را به فرض می‌برد (نساء/ ۱۲؛ ۹۰۰ ق.م) و سه‌چهارم بقیه، طبق قاعده بین برادران و خواهران تقسیم می‌شود. در این صورت، اگر تعداد برادران و خواهران بیش از یکی باشد سهم الارث زوجه (مؤنث) از برادران (مذکر) بیشتر می‌شود.

۸. ۲. ۲. سهم الارث زن و یک برادر یا خواهر امی و چند برادر و خواهر ابوبنی

در حالت مذکور زن فرض اعلاى خود را یعنی یک‌چهارم (ماده ۹۰۰ قانون مدنی) و برادر یا خواهر امی نیز یک‌ششم ترکه را از اصل ترکه می‌برند و بقیه ماترک یعنی هفت دوازدهم متعلق به برادران و خواهران ابوبنی است و در همه حالات سهم زن (مؤنث) از نصیب و قسمت برادران (مذکر) بیشتر می‌شود.

۹. ۲. ۲. سهم الارث زن و اجداد پدری و اجداد مادری

در این مورد نیز زن فرض خود یعنی یک‌چهارم را از اصل ترکه (ماده ۹۰۰ قانون مدنی) و همچنین جد و جدۀ مادری نیز یک‌سوم ترکه را از اصل مالک می‌شوند که بین خود به‌طور مساوی تقسیم می‌کنند؛ یعنی به هر یک، سدس ترکه می‌رسد و بقیه متعلق به اجداد پدری است که آنها هم طبق قاعده تقسیم می‌کنند. در این حالت نیز سهم زن (مؤنث) یعنی یک‌چهارم است و از سهم جد مادری (مذکر) یعنی یک‌ششم بیشتر است.

۱۰. ۲. ۲. ۳. زن و برادران امی متعدد و برادر و خواهر ابوبنی

در این فرض نیز سهم زن یک‌چهارم از اصل ترکه و برادران امی متعدد نیز به حکم ماده ۹۲۲ قانون مدنی، ثلث ترکه را مالک می‌شوند که بین خود به‌طور مساوی تقسیم می‌کنند (در صورتی که دو نفر باشند به هر نفر یک‌ششم می‌رسد) و بقیه یعنی پنج قسمت از دوازده قسمت متعلق به برادران و خواهران ابوبنی است که (طبق قاعده ذکور دو برابر اناث) تقسیم می‌کنند. در این حالت نیز سهم زن (مؤنث) از برادران امی و در صورت تعدد برادران و خواهران ابوبنی از برادر ابوبنی بیشتر است.

۳. ۲. ۳. سهم الارث عمو، عمه، دایی و خاله و فرزندان آنها

سهم الارث طبقه سوم یعنی اعمام و احوال برابر مواد ۹۲۸ به بعد قانون مدنی با ترتیبی مشخص شده است. در این قسمت خویشاوندان پدری یعنی عمو و عمه و فرزندان آنها از قاعده ذکور دو برابر اناث تبعیت کرده و سهم الارث عمو دو برابر عمه است. لیکن در بسیاری

از حالات به شرح زیر سهم ذکور و اناث مساوی و در برخی موارد سهم جنس مؤنث بیشتر از جنس مذکر است و تنها در برخی موارد سهم ذکور بیشتر از اناث است.

۱. ۳.۲.۳. سهم الارث عمه و دایی

از آنجا که برابر ماده ۹۳۵ قانون مدنی در صورت اجتماع اعمام و احوال ثلث ترکه به خویشاوندان مادری (دایی و خاله یا فرزندان آنها) و دو ثلث ترکه به خویشاوندان پدری (عمو و عمه یا فرزندان آنها) می‌رسد. در فرض مذکور دو ثلث ترکه متعلق به عمه و یک ثلث متعلق به دایی است، درحالی‌که عمه مؤنث و دایی مذکر است و جنس مؤنث در این حالت دو برابر جنس مذکر از ماترک بهره‌مند می‌شود.

۲. ۳.۲.۳. سهم الارث عموهای ابوبنی و عمو یا عمه امی

در صورتی که بین عموها و عمه‌ها یک نفر از عمه‌ها امی باشد، بر اساس ماده ۹۳۵ قانون مدنی سدس ترکه یعنی یک‌ششم متعلق به عمه امی است. در این فرض اگر تعداد عموهای ابوبنی زیاد باشد، سهم عمه امی که مؤنث است یک‌ششم و بیشتر از سهم هریک از عموهای ابوبنی (مذکر) می‌شود.

۳. ۳.۲.۳. تقسیم به تساوی در کلیه متقربان به مادر

بر اساس قواعد ارث در قانون مدنی ایران تمامی خویشاوندانی که از طریق مادر به میت متصل‌اند، ذکور و اناث آنها سهم مساوی دارند و تفاوتی بین جنس مذکر و مؤنث نیست. این حکم در طبقه دوم در مورد برادران و خواهران امی و فرزندان آنها و جد و جدۀ مادری و پدر و مادر آنها (اجداد ثمانیه و بالاتر) جاری است. در طبقه سوم نیز تمامی خویشاوندان مادری یعنی دایی و خاله و فرزندان آنها و عمو و عمه امی و فرزندان آنها مشمول حکم تقسیم به تساوی هستند.

۱. ۳.۲.۳. برادر و خواهر مادری و فرزندان آنها

در طبقه دوم فرض برادر یا خواهر امی، یک‌ششم از کل ترکه است و در صورتی که تعداد آنها بیش از یکی باشد، یک‌سوم ترکه متعلق به آنهاست (نساء؛ ۱۲؛ ماده ۹۲۲ ق.م) که در این صورت یک‌سوم را بین خود (اعم از برادر یا خواهر) به‌طور مساوی تقسیم می‌کنند و اگر فرزندان آنها به اعتبار ماده ۹۲۵ ق.م قائم‌مقام ایشان شود، سهم مذکور را بین خود به‌طور مساوی تقسیم می‌کنند و بین پسر و دختر تفاوتی نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۰۴؛ شهیدی، ۱۳۸۱: ۱۶۲؛ قاسم‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۰۴).

۲. ۳. ۳. ۳. ۳. اجداد امی

در طبقه دوم سهم اجداد امی در کنار اجداد پدری یک‌سوم در مقابل دوسوم است؛ یعنی یک‌سوم ترکه متعلق به اجداد امی است که در این صورت جد و جدۀ امی به‌طور مساوی بهره‌مند می‌شوند و تفاوتی بین جد و یا جدۀ وجود ندارد و در صورتی که اجداد بالاتر باقی باشند، ترکه در آن مراتب هم به‌طور مساوی تقسیم می‌شود. در حالتی که تنها بازماندگان میت در طبقه دوم منحصر به اجداد امی هم باشند، ترکه بین جد امی (مذکر) و جدۀ امی (مؤنث) به‌طور مساوی تقسیم می‌شود و تفاوتی بین مؤنث و مذکر نیست.

۳. ۳. ۳. ۳. ۳. اعمام (عمو و عمه) مادری

در صورتی که در جمع اعمام، عمو و عمه مادری باشد، تقسیم ارث بین آنها و فرزندان ایشان نیز به‌طور مساوی است و تفاوتی بین جنس مذکر (عمو) و مؤنث (عمه) و حتی دخترعموها و پسرعموها و یا دخترعمه‌ها و پسرعمه‌ها نیست.

۴. ۳. ۳. ۳. ۳. احوال (دایی و خاله)

در تمامی مواردی که احوال در طبقه سوم و در صورت اجتماع با اعمام ثلث ترکه را می‌برند و یا در صورت نبود خویشاوندان پدری تمام ترکه نصیب آنها می‌شود، ترکه بین ذکور و اناث از درجه اول این طبقه و فرزندان آنها به‌طور مساوی تقسیم می‌شود و هیچ تمایزی بین جنس مذکر (دایی‌ها) و جنس مؤنث (خاله‌ها) و یا فرزندان ذکور و اناث آنها نیست. در صورت وجود دایی و یا خاله امی در جمع احوال که آنها نیز امی تلقی می‌شوند سهم احوال امی بین آنها به تساوی تقسیم می‌شود (ماده ۹۳۵ قانون مدنی). با جمع‌بندی این بند نیز ملاحظه می‌شود که تقسیم ارث بین زن و مرد بر اساس قواعد و منطق اقتصادی و میزان تقرب و خویشاوندی بین ورثه میت است. خداوند متعال در آیات ۷، ۱۱، ۱۲ و ۱۷۶ سوره مبارکه نساء ضمن تأکید بر سهم بری زنان در کنار مردان و با تعیین سهام و فروض معین، برای هشت گروه از سیزده گروه مشمول فروض شش‌گانه صرفاً برای زنان سهم تعیین کرده است و تعیین سهام مذکور را فریضه‌هایی بر اساس علم و حکمت مشخص^۱ کرده است و به بشر متذکر شده است که شما از اختلاف سهم الارث تعجب نکنید درحالی که نمی‌دانید پدران و یا فرزندان شما کدامیک به حال شما سودمندترند.^۲

۱. «فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا. این احکام فریضه‌ای است از جانب خداوند.»

۲. «أَبَا نَعْمٍ وَ أبنَاءُكُمْ لِأَنَّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْسًا. شما نمی‌دانید که کدامیک از پدران و فرزندان شما به جان شما سودمندترند.»

۳.۳. سهم الارث زن از اموال شوهر

میزان سهم الارث زن از اموال شوهر و اموال موضوع ارث زن براساس آیات قرآن و روایات و در قالب مواد ۹۴۰ تا ۹۴۹ در عقد دائم تعیین شده است.

۱. ۳.۳. میزان سهم الارث زن از شوهر

قانون مدنی بر اساس آیات مذکور در قرآن مجید، فرض زن در عقد دائم از اموال شوهر را در صورتی که شوهر دارای فرزند باشد، یک‌هشتم و در صورت نبود فرزند از شوهر متوفای خود یک‌چهارم از عین اموال منقول و قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان خواهد بود. قانونگذار مدنی سهم الارث زوجه را در مواد ۹۱۳، ۹۲۷، ۹۳۸ قانون مدنی در طبقات سه‌گانه نسبی آورده است.

۲. ۳.۳. اموال موضوع ارث زن

تا پیش از اصلاح قانون مدنی در سال ۱۳۸۷ و بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه، زن تنها از اموال منقول و قیمت ابنیه و اشجار ارث می‌برد، لیکن با اصلاح مقررات موادی از قانون مدنی در سال مذکور، علاوه بر اموال منقول، سهم زن به قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان افزایش پیدا کرد. صرف نظر از مبانی فقهی تحول مذکور (صادقی‌مقدم، ۱۳۹۱: ۵۶) و علل عدم بهره‌مندی زن از اموال شوهر بیشتر از فرض یک‌چهارم در صورت عدم وجود ورثه دیگر (صادقی-مقدم و عزیزالهی، ۱۳۹۱: ۱۹۷) با این اصلاح زن از کلیه اموال شوهر ارث می‌برد. حکومت نظر مشهور فقهای امامیه در مجموعه قانون مدنی در طول هشتاد سال با اظهار نظر صریح یکی از فقهای معاصر (خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۳) و به دنبال آن اصلاح مواد ۹۴۶ و ۹۴۸ و حذف ماده ۹۴۷ قانون مدنی در سال ۱۳۸۷، پایان پذیرفت.

۴. تحلیل تفاوت و تحلیل اقتصادی

ساختار نظام خانواده در حقوق اسلام، با توجه به اهداف عالی از خلقت انسان از جمله تکامل و تعالی بشر، تلاش برای کسب توشه برای زندگی ابدی، عبودیت و بندگی و تربیت نسل بشر، تقسیم وظایف و تکالیف متناسب با تفاوت‌های جسمی بین مرد و زن و بهره‌مندی هر یک از آن‌ها از مواهب مادی، متکی بر طبیعت و فطرت هریک از زن و مرد است. مرد به دلیل قوای جسمانی و توان مقابله در مقابل دشواری‌ها در طبیعت و یا تعاملات اجتماعی با یکدیگر، مسئولیت تأمین معاش و امنیت و حمایت از هویت خانواده را به‌عهده دارد و زن به دلیل قوای عاطفی، نرم‌خویی، محبت و توان توالد و تناسل مسئولیت تربیت نسل بشر را به‌عهده گرفته

است. تعارضات اجتماعی بین افراد یک جامعه یا تقابل در مقابل خودکامگی دیگر انسان‌ها از عهده مرد برمی‌آید و قوام عوامل درونی و عاطفی درون خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین واحد در جامعه بشری به زن سپرده شده است. خداوند در قرآن (نساء/ ۳۴) اداره معاش خانواده و تکیه‌گاه اصلی خانواده را که مستلزم تدبیر و تعقل مالی است، به مرد و امور عاطفی و احساسی زندگی را به زن که مظهر عطوفت و رحمانیت است، سپرده است.

با ملاحظه تجربی جوامع و متکی بر گزارش‌ها نرخ مشارکت زنان و مردان در کشورهای مختلف این نتیجه منطقی به‌دست می‌آید که حداقل دوسوم ثروت دنیا در اختیار مردان و یک‌سوم در اختیار زنان است. از طرفی بنا به دستور الهی مرد باید با مصرف اموالی که در اختیار دارد عدالت کامل را رعایت کند (طباطبایی، ۱۳۷۷: ۳۵۱)، در نتیجه و در عمل مصرف بیشتر اموال در خانواده در اختیار زن است.

با بررسی روایات رسیده در خصوص علل تفاوت ارث دختر و پسر و یا زن و شوهر از ائمه اطهار (ع) نیز، به‌طور عمده بر حضور مردان در جهاد و وظیفه تأمین معاش و نفقه و پرداخت مهر از طرف مرد و جنبه‌های اقتصادی دریافت مهریه، نفقه، اجرت‌المثل از طرف زن و عدم تکلیف زنان در پرداخت دیه عاقله، شرکت در جنگ‌ها، تأمین نیازمندی‌های مادی زندگی و حتی نفقه فرزندان و شرکت در دفاع از کشور و تمامیت ارضی آن است (شیخ صدوق، ۱۳۸۶: ۸۱۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۷: ۳۶۰). با نگاهی به ساختار اقتصادی خانواده در اسلام مشخص می‌شود که کفه ترازوی تقسیم اموال میت، با توجه به وظایف اقتصادی مرد و حمایت‌های مالی که از زن صورت می‌گیرد، به نفع زن است.

۱. ۴. اقتصاد خانواده

با تبیین وظایف مرد و زن در نظام خانواده مشخص شد که تکلیف تأمین معاش زن و فرزندان در حقوق اسلام به عهده مرد است و زن در این زمینه تکلیفی ندارد. افزون‌بر اینکه زن با دریافت مهریه، نفقه و در صورت مطالبه، اجرت کارهایی که در خانه انجام می‌دهد، حتی دریافت اجرت شیردادن فرزند و شروط اقتصادی دیگر از جمله شرط تنصیف دارایی و همچنین توصیه خدای متعال به وصیت برای اقربا و خویشاوندان (بقره/ ۱۸) و استقلال کامل مالی در دارایی خود ناشی از مزیت‌های اقتصادی ذکر شده و دریافت سهم‌الارث احتمالی از پدر، مادر و شوهر و یا سایر خویشاوندان در شرایطی قرار می‌گیرد که بدون دغدغه مالی، تمامیت‌ان و انرژی خود را صرف وظیفه اصلی خود یعنی تربیت نسل بشر و ایجاد فضای مساعد در خانواده است. افزون‌بر این در موارد متعددی بهره‌مندی زن و مرد از ماترک میت مساوی و در برخی موارد کمتر و حتی در مواردی بیشتر است.

۲. ۴. بهره‌مندی برابر زن و مرد در طبقات مختلف ارث در برخی حالات

گفتیم که در کلیه خویشاوندان مادری تقسیم ارث بین جنس مذکر و مؤنث مساوی است و برتری برای فرد وجود ندارد. در تقسیم ارث بین خواهران و برادران مادری و فرزندان آنها، اجداد مادری، دایی و خاله و فرزندان آنها و سایر خویشاوندان مادری از جمله عمو و عمه امی و فرزندان آنها، تفاوتی بین زن و مرد نیست. همچنین در طبقه اول با وجود فرزند برای میت، هریک از پدر و مادر با وجود تفاوت در جنسیت از سهم مساوی یک‌ششم برخوردارند (مواد ۹۲۲، ۹۲۳ و ۹۲۵ قانون مدنی).

۳. ۴. بهره‌مندی بیشتر جنس مؤنث

در مواردی که دختر یا دختران امی تنها وارث میت باشند، تمام ترکه متعلق به دختر در صورت انفراد و یا دختران در صورت اجتماع است که بین آنها به تساوی تقسیم می‌شود. همچنین در صورت وجود دختر همراه با پدر و مادر و یا یکی از آنها نیز سهم دختر از سایرین از جمله پدر (با جنس مذکر) بیشتر است.

در صورتی که ورثه میت شامل پدر و مادر و شوهر باشد نیز سهم مادر ثلث ترکه از اصل مال و سهم شوهر نصف ترکه و باقیمانده اموال یعنی یک‌ششم سهم پدر است. در نتیجه سهم مادر (مؤنث) از سهم پدر (مذکر) بیشتر است. این حکم در طبقه دوم نیز با وجود خواهر یا خواهران که فرض آنها در صورت انفراد نصف ترکه و در صورت اجتماع دو ثلث ترکه است، مشاهده می‌شود. با وجود خواهر و جد مادری سهم خواهر (جنس مؤنث) از جد مادری (مذکر) بیشتر است. در طبقه سوم نیز مواردی وجود دارد که سهم جنس مؤنث ممکن است از سهم جنس مذکر بیشتر باشد، از جمله با وجود عمه (مؤنث) و دایی (مذکر) سهم عمه دو ثلث ترکه و سهم دایی یک ثلث ترکه است (ماده ۹۳۵ قانون مدنی). همچنین با وجود زن در طبقه سوم و تعدد دایی‌ها و عموها سهم زن یعنی یک‌چهارم کل ترکه از سهم عموها و دایی‌های متعدد بیشتر است.

۴. ۴. بهره‌مندی بیشتر جنس مذکر

در تمامی مواردی که تقسیم ارث در طبقه اول بین فرزندان دختر و پسر و یا در طبقه دوم بین برادر و خواهر و همچنین اجداد و در طبقه سوم بین اعمام و احوال صورت می‌پذیرد، سهم ذکور دو برابر اناث است. به عبارت دیگر در تمامی خویشاوندان پدری، تقسیم ارث بر اساس آیات ۱۱ و ۱۷۶ سوره مبارکه نساء بر اساس ذکور دو برابر اناث است. در جمع‌بندی این بند ملاحظه می‌شود که برخلاف آنچه تصور می‌شود، در بسیاری از موارد سهم و بهره‌مندی زنان

از مردان در استفاده از ثروت و ماترک میت بیشتر است. در مواردی از جمله دو برابر بودن سهم پسر از دختر را می‌توان متناسب با مسئولیت‌ها و تکالیف مالی مرد و نصف بودن سهم زنان را در راستای بهره‌مندی‌های دیگر اقتصادی تحلیل کرد.

۵. نتیجه

تلاش فطری انسان برای کسب مال و کسب ذاتی افراد به تملک اموال برای تأمین نیازمندی‌های مادی و در نهایت تأمین بازماندگان از جمله زن و فرزندان و سایر خویشاوندان است. به‌طور طبیعی اموال مصرف‌نشده باقیمانده از انسان بین خویشاوندان تقسیم می‌شود. اصالت ارزش‌گذاری انسان در اسلام مبتنی بر تقوا و عمل صالح است و امور مادی و اقتصادی از جمله نحوه تقسیم ارث بین زن و مرد در طبقات مختلف نسبی و یا زن و شوهر، دلیلی بر ترجیح بین جنس مؤنث و مذکر نیست. اگرچه در برخی موارد سهم و برداشت جنس مؤنث از ماترک میت از مردان موجود در آن طبقه یا درجه بیشتر و در بسیاری موارد یعنی تمامی خویشاوندان مادری و پدری و مادر با وجود اولاد مساوی است. لیکن به‌طور عمده علت دو برابر بودن سهم پسر از دختر در طبقه اول و یا برادر و خواهر در طبقه دوم و خویشاوندان پدری به دلیل مسئولیت‌های مالی مردان در اقتصاد خانواده از جمله پرداخت مهریه، نفقه، اجرت‌المثل کارهای زن در خانواده، تأمین نفقه فرزندان، مشارکت در پرداخت دیه قتل خطایی خویشاوند، مشارکت در دفاع از کشور و تمامیت ارضی آن است. این در حالی است که زن از نظر اقتصادی در حمایت کامل مرد قرار دارد و با دریافت مهریه، نفقه، اجرت‌المثل و عدم مسئولیت در تأمین هزینه فرزندان و سایر مسئولیت‌های مالی اجتماعی، استقلال مالی دارد. همچنین زن می‌تواند هرگونه شرط تنصیف دارایی کسب‌شده در ایام زوجیت را، ضمن عقد نکاح بگنجانند. با این وصف عادلانه‌ترین روش در تقسیم ارث بین زن و مرد راه‌حلی است که اسلام ارائه داده و در قوانین از جمله قانون مدنی ایران تجلی پیدا کرده است.

منابع

۱. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمدبن علی (۱۴۱۸ق). *النهایه*، ج اول، قم: اعتماد
۲. اردبیلی، احمدبن محمد (۱۴۱۶ق). *مجمع القانده و البرهان*، ج ۱۴، قم: جامعه مدرسین
۳. انصاری، مرتضی (۱۳۷۵). *مکاسب*، تبریز: بی‌نا.
۴. انصاری‌پور، محمدعلی؛ صادقی مقدم، محمدحسن (۱۳۹۴). «اجرت‌المثل کارهای زوجه و نقد آرای محاکم در این زمینه»، *مدرس علوم انسانی*، دوره ۹، ش ۴۱، ص ۲۴-۱.
۵. امامی، سید حسین (۱۳۸۱). *حقوق مدنی*، ج ۴، چ هفدهم، تهران: اسلامیه.
۶. بروجردی، سید ابراهیم، (بی‌تا). *تفسیر جامع*، تهران: صدرا.

۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۵). *حقوق خانواده*، تهران: مؤلف، چاپخانه صدری.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۷). *ارث*، تهران: امیرکبیر.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). *زن در آئینه جلال و جمال*، ج ۲۷، قم: اسراء.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). *فلسفه حقوق بشر*، ج چهارم، قم: اسراء.
۱۱. حسینی مقدم، سید عسکر (۱۳۸۳). *مطالعه تطبیقی حقوق زن*، ج دوم، تهران: نگاه بینه.
۱۲. حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، ج دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۳. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۶). «گزارش طرح یک‌فوریتی اصلاح مواد قانون مدنی»، مجلس شورای اسلامی، شماره چاپ ۲۰۰۵، ص ۴۲-۵۵.
۱۴. خمینی، سید روح‌الله (بی‌تا). *تحریر الوسیله*، ج ۲، قم: مؤسسه النشر.
۱۵. زارعی، محمدابراهیم (۱۳۸۰). *تحقیقی پیرامون ارث از دیدگاه امامیه*، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. شایگان، سیدعلی (۱۳۷۵). *حقوق مدنی*، قزوین: طه.
۱۷. شهیدی، مهدی (۱۳۸۱). *ارث*، ج ۱۴، تهران: مجلد.
۱۸. صادقی مقدم، محمدحسن (۱۳۸۳). «مبانی فقهی و بایسته‌های قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور»، *نامه مفید*، قم، دوره ۱، ش ۴۶، ص ۳۱-۶۰.
۱۹. صادقی مقدم، محمدحسن (۱۳۸۳). «باروری مصنوعی از دیدگاه حقوق اسلام»، *مدرس علوم انسانی*، ویژه حقوق، ص ۱۶۱-۱۸۷.
۲۰. صادقی مقدم، محمدحسن (۱۳۹۱). «تحول در ارث زن از اموال شوهر»، *فصلنامه دانش مدنی*، دوره ۱، ش ۲، ص ۱۰۸-۹۱.
۲۱. صادقی مقدم، محمدحسن؛ عزیزالهی، مهدی (۱۳۹۱). «سهم ۲۱. الارث زوجه منحصر در فقه و قانون مدنی»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، ش ۴۲، ص ۱۹۷-۱۸۷.
۲۲. صادقی مقدم، محمدحسن؛ فولادی سوادکوهی، ابراهیم (۱۳۹۱). «بررسی مبانی مستندات جبهه در فقه امامیه و ضرورت اصلاح قانون مدنی»، *فقه و حقوق اسلامی*، تبریز، سال سوم، ش ۵، ص ۸۱-۶۲.
۲۳. صادقی مقدم، محمدحسن؛ امیرحسینی، امین (۱۳۹۴). «نفقه و نیازهای درمانی زوجه»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۷، ش ۳، ص ۴۲۰-۴۰۵.
۲۴. صادقی مقدم، محمدحسن؛ فرخی، محسن (۱۳۹۵). «تجلیل مبانی فقهی، حقوقی و اخلاقی انتخاب جنسیت جنین با تأکید بر مبانی علمی آن»، *پژوهش‌های آسیب‌شناسی زیستی*، ش ۱۹، ص ۸۷-۱۰۷.
۲۵. صادقی مقدم، محمدحسن؛ امیرحسینی، امین (۱۳۹۶). «اختیارات شوهر در منع اشتغال زن در نظام حقوقی ایران»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۹، ش ۳، ص ۴۶۷-۴۵۳.
۲۶. صفایی، سید حسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۸۱). *مختصر حقوق خانواده*، تهران: میزان.
۲۷. صفایی، سید حسین؛ شعبانی کندسری، هادی (۱۳۹۷). *حقوق مدنی (وصیت، ارث، شفعه)*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۸. طاهری، حبیب‌الله (۱۳۷۶). *حقوق مدنی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۷). *تفسیر المیزان*، ج ۴، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۳۰. طوسی (شیخ)، محمدبن حسن (۱۳۸۸). *المبسوط*، ج ۷، قم: المکتبه المرتضویه.
۳۱. عاملی (شهید اول)، محمدبن مکی (۱۳۸۹ق). *اللمعه الدمشقیه*، بیروت: دارالعالم الاسلامی.
۳۲. قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۹۴). *حقوق مدنی (حق شفعه وصیت و ارث)*، ج دوم، تهران: دادگستر.
۳۳. قبله‌ای خوبی، خلیل (۱۳۸۱). *ارث*، تهران: سمت.
۳۴. قرائتی، محسن (۱۳۸۴). *تفسیر نور*، ج ۲ و ۳، ج یازدهم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. تهران.
۳۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۸). *حقوق مدنی (خانواده)*، ج ۱، چ دوم، تهران: بهمنش.
۳۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). *درس‌هایی از شفعه، وصیت و ارث*، چ هفتم، تهران: میزان.

۳۷. کی، چانگ؛ دبار، سولز (۱۳۷۵). *ناباروری، ارزیابی و درمان*. ترجمه محمدعلی کریمزاده و همکاران. یزد: انتشارات یزد.
۳۸. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۵). *بررسی فقهی حقوق خانواده*. تهران: علوم اسلامی
۳۹. مصلحی عراقی، حسین (۱۳۸۵). *حقوق ارث*. تهران: سمت.
۴۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). *برگزیده تفسیر نمونه*، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامی.
۴۲. مهرپور، حسین (۱۳۷۰). *بررسی میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران*. تهران: اطلاعات.
۴۳. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۸). *جواهرالکلام*، چ سوم، ج ۳۱ و ۴۳، تهران: دارالکتب الاسلامی.
۴۴. نجفی اسفاد، مرتضی؛ محسنی، فرید (۱۳۷۹). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی*. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
۴۵. میرشمسی، فاطمه (۱۳۸۰). *مبانی حقوق و تکالیف زن در ازدواج*. تهران: اسلامیة.
۴۶. یزدی، محمد (۱۳۶۸). *شرح و تفسیر قانون اساسی*. تهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.



Research Paper

Justice and Fairness in the Distribution of Inheritance between female and male heirs under Iranian and Islamic-Shiite Law

Mohamad Hasan Sadeghi Moghadam* 

Professor, Faculty of Law, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

In answer to the questions posed in respect of the distribution of inheritance between female and male heirs, under Iranian law, it can be argued that Iranian law, following Islamic-Shiite law, has adopted the fairest system of distribution in this respect. The responsibilities of each of woman and man in the family as well as the rights and protections given to them, as the creatures of God and His successors on the earth, must be taken into account when analyzing the inheritance distribution system. This paper argues that, under Iranian law, inheritance is distributed between male and female heirs in proportion to (1) the responsibilities and obligations that a man has with respect to his family (including providing maintenance for his wife and his children), the duty to defend the country and the duty of doing the preliminaries like military service and to (2) financial protection given to a woman including the dower, maintenance and equivalent remuneration for the work done by the wife at home, that must be provided by the husband. In other words, the distribution of inheritance is not based on the gender of the heirs.

This paper, by looking at the aims of God from the creation of mankind including women and men and by referring to the Quranic verses (such as beginning verses of Nisā chapter, Verse 189 of Arāf chapter and Verse 56 of Al-Dhāriyāt chapter, and the traditions narrated from the infallibles (peace be upon them) as well as the equality of all human beings before God and that no individual is preferred to another one except by righteousness, knowledge, faith and the right conduct, deals with the distribution of

*Email: mhsadeghy@ut.ac.ir

Received: 29 June 2020, Accepted: 10 October 2022

© University of Tehran

inheritance based on meeting the needs of woman and man and their financial responsibilities.

A man in an Islamic society has a number of financial responsibilities including the payment of dower, as agreed by the spouses, and providing the living expenses of the wife, according to her social standing, and living expenses of his children. By taking into account the fact that a woman has no duty to do housework, she is also entitled to ask her husband to pay remuneration for her work. By explaining the different ways of distributing the inheritance between male and female heirs, according to the degree of their relationship with the deceased, the share of every female heir has been made clear.

It should be noted, that in the inheritance distributing system, under Iranian law, the heirs are divided into three classes according to the degree of the heirs' relationship with the deceased. For example, parents and children are among the first class; sisters and brothers as well as their children and grandparents are in the second class; and uncles and aunts as well as their children are in the third class. The first class prevents the second class and the second class prevents the third one from benefiting from inheritance.

By taking into account the way of distributing the inheritance between the heirs in the three classes, it can be argued that:

(1) In many cases the share of female and male heirs are equal. For example, the share of mother and husband from the deceased wife's property is equal. The share of father and mother, is one sixth of the child's property. Where the heirs are a sister and the husband, their shares would be equal. All maternal relatives like maternal brother and maternal sister as well as maternal uncles and aunts and their children would receive equal shares from the inheritance.

(2) In certain cases, the share of female heir is higher than that of male heir. For example, where one daughter and the husband are the heirs of the deceased, the daughter would receive more than the husband. Where the heirs of the deceased are the husband, father and mother, the mother would receive more than the father. Where the sister and maternal grandfather are the heirs of the deceased, the sister would receive more the maternal grandfather.

(3) In certain cases, however, the share of male heirs is more than the share of female heirs.

The most important point that must be taken into account in the distribution of inheritance between the heirs is that the distribution has a direct relation to the obligations and responsibilities that each of woman and man has in the family life and in the society. No attention is paid to the gender and the natural value of female and male heirs in the distribution of the inheritance.

Key words: Deceased, Inheritance, Distribution of Inheritance, Justice and Fairness, Male and Female Heirs.

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.